

نگاه ماشین نو سرگرد علی مصباحی‌فرد*

● با وام و قرض‌وقوله به ماشین تمام‌قسط از کمپانی برداشتم و با کلی این‌در اون‌درزن، تونس‌تم توی یک تاکسی تلفنی مشغول کار شـم؛ خدا رو شکر اوضاع نسبت به قبل بهتر شده بود و انکار کم‌کم داشت زندگی روزهای خویش رو نشون می‌داد. تا اون روز عصر که به سـرویس به مرکز شهر به پستم خورـد، بدجوری ترافیک عصرها سنگین بود و تردد به‌سختی انجام می‌شد تا جایی که بعضی وقت‌ها که به مقدار فضا ایجاد می‌شد ماشین‌ها با سرعت زیاد فاصله را پـر می‌کردند و بی‌تعارف؛ از همه‌جایی سبقت می‌گرفتند. ظاهرا کسی با کسی تعارف نداشت و هر کی سعی می‌کرد به هر حـزمتی که شده خودشو جلوتر برسونه، این وسط هم، همه سعی و تلاش من براین بود که با فاصله از بقیه ماشین‌ها به آرامی حرکت کنم تا اتفاقی برای ماشینیم پیش نیاد. توی این ترافیک سنگین از بس که زنده جامه‌جا کرده بودم اعصاب بدجوری به هم ریخته بود و از اون بدتر صحبت‌های کارشاسانه مسافری بود که سه روی صندلی عقب لم داده بود و مدام از فرهنگ و مدرنیته و تکنولوژی و فضا و... صحبت می‌کرد و بیشتر از ترافیک اعصاب منو به هم می‌ریخت، لامصب به ریز حسـرف می‌زد و اصلا نفس کم نمی‌اورد. بی‌انصاف فکر می‌کرد من از سر بی‌سوای اومدمو شوفر تاکسی تلفنی شدم، نه داش ما هم برا خودمون به کسی بودیم و سـری تو سرها داشتیم. واسه اینکه از افاضه فیض مسافر راحت بشم با این سبک‌وسایاق با خودم مشغول صحبت‌کردن بودم که یه هویی به جلو پرت شدم و مسافر عقبی هم تا نصفه به جلو پرت شد و کم مونده بود با سر توی داشبـرد بره. مونده بودم از کجا و چه‌جوری ضربه خوردم، این شد که زودی دنده رو خلاص کردم و ترمز‌دستی ماشین رو بالا کشیدیم و پایین رفتم و تا چشمم به عقب ماشین خورـد دنیا جلو چشمم سیاه شد و مغزم سوت کشید، بی‌انصاف ماشین عقبی نمی‌تونم توی این ترافیک چه فرمی به ماشین من زده بود که این شکلی سیر ماشین تاب برداشته بود. با دیدن ماشین آمیرم انکار رو هزار رفته بود و مثل مرغ پرکنده رو پاهام بند نمی‌شدم و با دیدن راننده عقبی که بی‌خیال و خونسرد سبک‌ارو شد دو می‌کرد بیشتر از پیش ناراحت و عصبی شدم. هرچی من جوشی‌تر می‌شدم اون خونسردتر جواب می‌داد و انکار‌ناانگار که اتفاقی افتاده بود. با دیدن این صحنه، انکار خون جلوی چشمامو گرفته بود و این شد که از زیر صندلی قفل فرمان برداشتمو به سـشتن رفتم و واسه اینکه بترسونمش قفل فرمان رو از جلو صورتش شتالای رد کردم که ناغافل کـشویی قفل، دررفت و تو دهن طرف خورـد و خون تمام سر‌وصورت اونو دربر گرفت؛ با دیدن این اتفاق مشکل خودمو فراموش کردم. کل بود به سبزه نیز آراسته شد و به قول گفتنی از چاله درآمدم و تو چاه افتادم. خلاصه کلی گرفتار باسگاه و دادگاه و رضایت‌گرفتن و التماس‌کردن شدم و دست آخر هم دست از پا درازتر به پرداخت دیه محکوم شدم. ای کاش با حفظ خونسردی خودمو گرفتار به همچنین مشکلی نمی‌کردم و بدون دادوئیراد و قیول‌قال‌کردن منتظر پلیس راهنمایی و رانندگی می‌شدم و بی‌گدار به آب نمی‌زد؛ اگه خونسرد بودم و عصبی نمی‌شدم حالا گـره‌ای رو که با دست باز می‌شد لازم نبود که با ندون باز کنم.

نظریه کارشاس:

در بررسی پرونده‌های محاکم قضائی، علت وقوع بسیاری از جرائم، در حقیقت عدم کنترل و مدیریت خشم و ناراحتی است و انسان به دلیل ضعف در کنترل خشم خود، مرتکب جرائمی مانند نزاع و درگیری، ضرب‌وجرح و... می‌شود. گفتنی است در بین مکاتب حقوقی، فقط مکتب اسلام به‌عنوان مکتب حقوقی مورد پذیرش جهان واقع شده است که دینی توحیدی است. حال باید سـؤال کنیم آیا خشم و غضب که در ذات انسان نهانیده شده، از نگاه مکتب اسلام از آزادی کامل برخوردار است و حد آزادی رفتار و اعمال آن تا چه حد است؟ از نظر اسلام، معیار خشمگین‌شدن خداست. اصولا کارکرد خشم و غضب در مقابله با کفار و دشمنان خدا و اولیای خداست و نسبت به مؤمنان خشمگین‌شدن خطاست. اما خشم و غضب درواقع یک صفت نفسانی و درونی است که آدمی را وادار به رفتاری پرخاشگرانه و غلبه و انتقام نیست به دیگری می‌کند. از پیامدهای غضب و خشم می‌توان گفت: غضب، فکر و عقل انسان را ناکارآمد و زمین‌گیر می‌کند؛ چنان‌که پیامبر اکرم(ص) فرمود: «غضب، ایمان را فاسد می‌گرداند؛ همان‌گونه که سرکه عسل را فاسد می‌کند». بنابراین هرچند نمی‌توان از عواملی که موجب خشم می‌شود جلوگیری کرد، ولی می‌توان تا حدود زیادی آن را کنترل کرد؛ یعنی می‌توان هم احساس‌ناشی از خشم و هم تحریکات جسمانی را که خشم باعث به‌وجودآمدن آنها می‌شود، کاهش داد. از جمله خواندن سوره «العصر» یا گفتن ذکر «لا حول و لا قوة الا بالله»، «استغفرالله ربی و اتوب الیه» و «عوذبالله من الشیطان الرجیم». خواندن این ذکرها این فرصت را به شما می‌دهد که بتوانید بر رفتار خود کنترل بیشتری داشته باشید البته بهترین راه مدیریت و ابزار خشم را دیدگاه قرآن و روایات، بخشش است. لذتی که انسان به دنبال عفو و گذشت احساس می‌کند با آتشی که به هنگام خشم سراسر وجود او را فرا می‌گیرد، قابل مقایسه نیست.

✽کارشناس اداره آموزش همگانی معاونت اجتماعی قانب

شرق: نامادری‌ای که ۹ سال قبل دختر نوجوان شوهرش را به قتل رسانده بود، در حالی پای میز محاکمه رفت که اتهام قتل را انکار و شوهرش را عامل قتل معرفی کرد.

به گزارش خبرنگار ما، اردیبهشت‌ماه سال ۸۶ مردی میانسال هراسان با مرکز فوریت‌های پلیسی تماس گرفت و از مرگ مشکوک دختر نوجوانش خبر داد. گروهی از مأموران به خانه این مرد در شهر ری رفتند و بعد از رویت جسد تحقیقات خود را دراین‌باره آغاز کردند. جنازه دختر نوجوان در اتاق خودش روی تخت رها شده بود و آثار ضرب و جرح روی پیکرش دیده نمی‌شد. پدر مقتول اولین نفری بود که تحت بازجویی قرار گرفت. او گفت: من بیرون از خانه بودم. وقتی برگشتم با جسد دخترم روبه‌رو شدم. در بررسی های انجام‌گرفته مشخص شد پدر دختر نوجوان بارها ازدواج کرده و هر بار به دلیل اینکه نتوانسته با همسرانش سازگاری داشته باشد، از آنها جدا شده است و حالا با آخرین همسرش زندگی می‌کرده است. حاصل این ازدواج‌ها چندین فرزند بوده است که به جز آنهایی که ازدواج کردند، مابقی در خانه پدری زندگی می‌کردند.

در ادامه تحقیقات برادر شش‌ساله مقتول که در زمان قتل خانه بوده است، بازجویی شد. او گفت: مادرم خواهرم را به قتل رساند و من دیدم چه شده است.

با توجه به اینکه او یک پسر بچه نابالغ بود بنابراین شهادتش در مستندات پرونده قرار نگرفت؛ اما دادستانی با استناد به گفته‌های این کودک تحقیقات بیشتری را درباره نامادری مقتول آغاز کرد و این زن هیچ‌وقت به قتل اعتراف نکرد و نتوانست توضیح دهد چرا جسد در خانه بوده است.

با توجه به دلایل به‌دست‌آمده و نظریه پزشکی‌قانونی که نشان می‌داد دختر نوجوان خفه شده و به مرگ طبیعی نمرده است، کیفرخواست علیه

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

شرق: زنی بعد از دیدن مردی که سال‌ها قبل قرار ازدواج با او را گذاشته بود، با همدستی این مرد شوهرش را به قتل رساند.

به گزارش خبرنگار ما، در ساعت ۲۰:۳۰ روز پنجشنبه، از طریق مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ یک فقره فوت مشکوک به کلاتسری ۱۵۲ خانی‌آباد اعلام شد. با حضور مأموران در بیمارستان و انجام تحقیقات اولیه مشخص شد فردی به نام مرتضی ۳۲ساله بر اثر اصابت گلوله به ناحیه صورت و پهلو به قتل رسیده است.

با حضور مأموران در محل بیمارستان و انجام تحقیقات اولیه از بستگان و اعضای خانواده مقتول، برادرزن مقتول به مأموران اعلام کرد: خواهرم به نام المیرا ۳۱ساله در اتوبان آزادگان با خودرو شخصی ۲۰۶ در حال تردد بوده که خودرو شخصی‌اش دچار پنچری می‌شود. المیرا با همسرش تماس گرفته و از او برای تعویض لاستیک خودرو درخواست کمک می‌کند. مرتضی نیز پس از گذشت ۲۰ دقیقه در محل حاضر می‌شود که در زمان تعویض لاستیک خودرو، فردی که گویا یک کلاه ایمنی موتورسیکلت به سر داشته به آنها نزدیک و به قصد زورگیری با مقتول درگیر شده و نهایتا با اسلحه همراه خود اقدام به شلیک کرده و پس از به‌قتل‌راندن مرتضی از محل متواری شده است.

با تشکیل پرونده مقدماتی با موضوع «قتل عمد» و به دستور بازپرس شعبه ششم دادسرای ناحیه ۲۷ تهران، پرونده برای رسیدگی در اختیار اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت.

در شرایطی که ظواهر امر حکایت از وقوع جنایت در یک زورگیری داشت، کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی به تحقیق از راننده یک دستگاه خودرو عبوری از محل جنایت پرداختند که موفق به مشاهده لحظه فرار قاتل از محل شده بود. این شخص در اظهاراتش به کارآگاهان عنوان کرد: با خودرو شخصی در حال عبور از محل جنایت بودم که متوجه شدم فردی روی زمین افتاده و نفر دوم نیز با اسلحه بالای سرش ایستاده. برای بررسی موضوع، دنده عقب گرفته و به صحنه نزدیک شدم که هم‌زمان، فرد مسلح از محل متواری شد. پس از پیاده‌شدن از ماشین، متوجه شدم شخصی که روی زمین افتاده، به قتل رسیده و خانم جوانی نیز درخواست کمک می‌کند.

در تحقیقات از شاهد صحنه جنایت و در شرایطی

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

حوادث

پدر یا نامادری؛ چه کسی دختر نوجوان را کشت

این زن صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۱۳ وقت دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. بعد از بررسی اولیه پرونده در دادگاه کیفری استان تهران به دلیل نقص تحقیقات یک بار دیگر پرونده به دادسرا بازگردانده شد تا ایرادات وارده برطرف شود. سرانجام با گذشت نزدیک به ۹ سال از ماجرا روز گذشته جلسه رسیدگی به این پرونده برگزار شد. در ابتدای جلسه رسیدگی نماینده دادستان کیفرخواست علیه نامادری و برادرش را خواند و خواستار صدور حکم قانونی برای آنها شد؛ سپس پدر و مادر مقتول در جایگاه حاضر شدند. مادر مقتول به‌صراحت درخواست صدور حکم قصاصی کرد و گفت: من از پدر فرزند زمانی که او سه‌ساله بود، جدا شدم و شوهرم بچه‌ها را به من نداد و پیش خودش نگه داشت، او چندین‌بار ازدواج کرد و فرزندانم همیشه از برخورد‌های نامادری‌شان ناراحت بودند.

سپس نوبت به پدر مقتول رسید. او به‌صراحت نگفت چه خواسته‌ای دارد و گفت ۱۰ روز زمان نیاز دارد تا توضیح دهد خواسته‌اش چیست. او درباره زندگی‌اش گفت: من بعد از جدایی از همسرم با همین زن که حالا متهم است، ازدواج کردم و بعد از آن هم که زندانی شد، با زن دیگری ازدواج کردم و هر بار هم زن‌هایم را طلاق دادم و حالا ۱۵ فرزند دارم. من می‌دانستم همسر دومم با بچه‌ها رفتار خوبی ندارد؛ اما فکر نمی‌کردم کار به اینجا برسد.

سپس برادر تنی مقتول در جایگاه حاضر شد. او گفت: نامادری ما خیلی ما را اذیت می‌کرد و زندگی راحتی نداشتیم. او با پیچ‌کوشتی ما را شکنجه می‌کرد و با شلنگ کتکمان می‌زد. ما نمی‌توانستیم وضعیت را تحمل کنیم؛ اما خواهرم همیشه جلوی من را می‌گرفت که با نامادری‌ام درگیر نشوم. روز حادثه هم من می‌خواستم با نامادری‌ام دعوا کنم که خواهرم جلوی من را گرفت. بعد که از خانه بیرون رفتم، پدرم با من تماس

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

گرفت و گفت خواهرت را کشته‌اند، به خانه بیا. سپس برادر ناتنی مقتول که فرزند تنی متهم است، در جایگاه حاضر شد. او که زمان قتل شش‌ساله بوده است، از دادگاه خواست تا مادر و دایی‌اش از جلسه خارج شوند و سپس قسم خورد که واقعیت را بگوید. او گفت: من دیدم که مادرم و دایی‌ام با هم مرتکب این قتل شدند. روز حادثه دایی‌ام به خانه ما آمد و من را با خودش بیرون برد که خوراکی بخرد. بعد که برگشتیم، من در حیاط داشتیم بازی می‌کردم که دیدم مادرم پاهای خواهرم را گرفته بود و دایی‌ام هم اول سعی کرد قرضی بدهد به خواهرم؛ اما موفق نشد، بعد با روسری او را خفه کرد. من خیلی ترسیده بودم و اصلا نمی‌توانستم حرکت کنم. وقتی دایی‌ام دید که من صحنه را دیدم، به من گفت اگر می‌خواهی تو را نکشیم، باید از اینجا بروی و به کسی هم چیزی نگویی. من که خیلی ترسیده بودم، داخل کمد رفتم دستم را روی چشم‌هایم گذاشتم و با همان وحشتی که داشتم خوابم برد. بعد مأموران آمدند و من را پیدا کردند.

بعد از گفته‌های این دو برادر، نامادری متهم به قتل در جایگاه حاضر شد. او در ابتدا گفت که مشخصات کاملش را نمی‌داند. اصلا نمی‌داند چند سال دارد؛ سپس اتهام قتل را رد کرد و گفت: شوهرم مرتکب این قتل شده است. من کاری نکردم و اتهام را هم رد می‌کنم و گفته‌های پسر را هم قبول ندارم. من همسر دوم بودم و بچه‌های شوهرم را دوست نداشتم؛ اما با آنها کاری هم نداشتم. سپس نوبت به برادر زن جوان که متهم ردیف دوم بود رسید. او گفت: من هم اتهام را قبول ندارم در زمان قتل اصلا در محل نبودم و در مراسم چهل‌م بود که از طریق برادرم متوجه شدم دختر نوجوان کشته شده است و به مرگ طبیعی نمرده است. من در زمان قتل در محل کارم بودم.

با پایان جلسه رسیدگی هیئت قضات برای صدور رأی دادگاه وارد شور شدند.

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نامادری؛ چهره نامادری که دختر نوجوان را قتل کرده

پرونده نام